

سرمايه معنوی

ثبوتی که می‌توانیم با آن زندگی کنیم

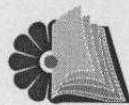
تألیف:

دانا زوهر

ایان ماشال

ترجمه:

دانیال محمدیانی



دانش ماندگار عصر

سرشناسه	زهره، دینا، ۱۹۴۵ - م. Zohar, Danah
عنوان و نام پدیدآور	سرمایه معنوی: ثروتی که می‌توانیم با آن زندگی کنیم/تالیف دانا زهره، ایان ماشال؛ ترجمه دانیال محمدیانی.
مشخصات نشر	تهران: نشر دانش ماندگار عصر، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۲۶۴ص: جدول، نمودار؛ ۱۴/۲۱×۵/۵س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۰۸-۰۳-۵
پاراشیت	عنوان اصلی: Spiritual capital: wealth we can live by, c2004.
یادداشت	کتاب حاضر تحت عنوان "سرمایه معنوی، ثروتی که می‌توان با آن زیست" (هوش معنوی-سرمایه معنوی) با ترجمه مرضیه فاطمی و زهرا فاطمی توسط انتشارات ماهواره در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.
عناوین دیگر	ثروتی که می‌توانیم با آن زندگی کنیم.
زبان دیگر	سرمایه معنوی، ثروتی که می‌توان با آن زیست: (هوش معنوی-سرمایه معنوی).
موضوع	فرهنگ سازمانی Corporate culture
موضوع	رفتار سازمانی Organizational behavior
موضوع	ارزشها Values
شناسه افزوده	محمدیانی، دانیال، ۱۳۶۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره	۴۱۰/۳۴۱ HD۵۸۷/
رده‌بندی دیویی	۰۰۲/۲۵
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۰۰۰۰۰۵

عنوان	سرمایه معنوی، ثروتی که می‌توانیم با آن زندگی کنیم
مولفان	دانا زهره، ایان ماشال
مترجم	دانیال محمدیانی
ناشر	مؤسسه دانش ماندگار عصر
صفحه‌آرا	مسین احمدی
طراح جلد	فرامرز عیب پوش
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۰۸-۰۳-۵
نوبت چاپ	اول (مستان) ۱۳۹۶
تیراژ	۵۰۰ نسخه

دفتر انتشارات: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان لیافی‌نژاد، پلاک ۱۹

کدپستی: ۱۳۱۴۹۶۵۳۵۱ تلفن: ۶۶۹۷۳۱۷۵-۶

ایمیل و وب سایت: MehraPub.com - Info@mehrabanshop.com

فروشگاه اینترنتی: Ketabemehraban.com

فروشگاه نشر بازرگانی: ۶۶۹۵۳۴۷۵

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است، مطابق با قانون حقوق مؤلفان و معنقان مصوب ۱۳۲۸ محفوظ و متعلق به مؤسسه کتاب دانش ماندگار عصر می‌باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی‌برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه‌ی کتبی از مؤسسه کتاب دانش ماندگار عصر ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

کتاب دانش ماندگار عصر

فهرست مطالب

پیش‌گفتار مؤلف.....	۹
تقدیر و تشکر.....	۱۵
مقدمه: برای تغییر دنیا، خودمان را تغییر دهیم.....	۱۷
فصل ۱: هیولایی که خودش را می‌بلعد.....	۳۱
اکنون در چه حالیم؟.....	۳۲
ناپایداری عملیات.....	۴۱
آیا راه دیگری هست؟.....	۴۷
فصل ۲: سرمایه معنی چیست؟.....	۵۱
داستان مرک.....	۵۴
شرح دادن ادراکمان از سرمایه.....	۵۷
مقصود من از واژه معنوی چیست.....	۶۴
جمع کل درآمد شرکت: چرا خوب بود؟ مفید است؟.....	۶۹
سه سطح مسئولیت اجتماعی شرکتی.....	۷۰
ثروتی که با رشد دادن خودمان می‌سازیم.....	۷۳
فصل ۳: انگیزه‌هایی که ما را هدایت می‌کنند.....	۷۶
معیار انگیزه‌ها.....	۸۰
بازتاب مثبت و منفی.....	۸۱
یافتن وضعیت خودمان در معیار (شاخص).....	۸۵
چگونگی حرکت روی شاخص.....	۸۹

فصل ۴: مقیاس انگیزشی ۹۵

انگیزه‌های آشنا ۹۶

۱، خشی ۹۷

۱، اکتشاف ۹۷

۱-، خودسری ۹۸

۲، جمع‌گرایی و همکاری ۹۹

۱-، خشم ۱۰۰

۳، قدردانی و درون ۱۰۱

۳-، بوس ۱۰۳

۴، سلط ۱۰۴

۴-، ترس ۱۰۵

انگیزه‌های پیشرفته ۱۰۶

۵، باروری ۱۰۷

۵-، اضطراب ۱۰۹

۶، خدمات عالی ۱۰۹

۶-، بی‌عاطفگی ۱۱۱

۷، روح جهان ۱۱۲

۷-، شرم و گناه ۱۱۳

۸، روشن‌فکری ۱۱۴

۸-، زوال شخصیت ۱۱۵

تغییر جهت انگیزه‌ها ۱۱۶

فصل ۵: هوش معنوی	۱۱۷
سه نوع هوش	۱۲۰
اس کیو، هوش پارادایم سازی و پارادایم شکنی	۱۲۶
شواهد علمی اس کیو	۱۲۸
فصل ۶: دوازده اصل تحول	۱۳۹
یک عرصه از معنی مشترک	۱۳۲
مت	۱۳۷
فصل ۷: اجایی کردن / به کارگیری اصول تحول	۱۴۹
خودآگاه	۱۴۹
فوریت	۱۵۳
رهبری دیدگاه‌ها و ارزش‌ها	۱۵۶
کل نگری	۱۶۱
دلسوزی	۱۶۵
استقبال از تنوع‌ها	۱۶۸
استقلال زمینه‌ای	۱۷۲
پرسیدن چرا؟	۱۷۴
قالب بندی مجدد	۱۷۷
استفاده مثبت از بدبختی و مصیبت	۱۸۱
تواضع	۱۸۴
مفهوم شغل	۱۸۷

- فصل ۸: چگونه اتفاقات را تغییر جهت دهیم ۱۹۳
- یک ابزار روان سنجی؟ ۱۹۰
- نقش بحران ۱۹۸
- پویایی های آتی برای تغییر ۲۰۳
- جلسه مشاوره یک به یک ۲۰۴
- گروه مذاکره ۲۰۷
- فصل ۹: تغییر فرهنگ سازمان ۲۱۷
- شرایط مناسب برای تغییر ۲۱۳
- پنج گام برای تغییر ۲۱۵
- شاخص های رفتاری تغییر ۲۲۱
- هشت مسئله ای که بر فرهنگ سازمانی متمرکز است ۲۲۷
- ساختارهای تغییر در یک فرهنگ سازمانی ۲۲۹
- فصل ۱۰: تمپلارها شوالیه های بنیدید؟ ۲۳۵
- ساختن یک شوالیه ۲۳۸
- کیفیت یک شوالیه ۲۴۰
- عقیده یک شوالیه ۲۴۳
- شوالیه ها و اربابان ۲۴۴
- چقدر شوالیه مورد نیاز است؟ ۲۴۶
- فصل ۱۱: آیا هنوز سرمایه داری است؟ ۲۴۹
- پویایی سیستم سازگار پیچیده انسانی ۲۵۱
- فاز تغییر سرمایه داری اولیه ۲۵۷
- «من» چه کاری می توانم انجام دهم؟ ۲۵۹

پیش گفتار مؤلف

من این کتاب را به خاطر دلایل شخصی زیادی نوشتم. وقتی پسر پنج ساله بود، یک شب پیش از خوابیدن از من پرسید که چرا باید زندگی کند؟ پاسخ به این سؤال چندین هفته طول کشید تا این که سرانجام گفتم: او باید زندگی کند تا جهانی بهتر از آنچه در آن متولد شده است، بسازد. البته می دانم که این پاسخ برای یک کودک پنج ساله بسیار سنگین بود. هنگامی که او به اواخر نوجوانی رسید، سؤالی مشابه پرسید؛ این بار در مورد رفتن به دانشگاه بود. او پرسید: چرا باید به دانشگاه بروم؟ چه رشته ای را بخوانم و چه مسیری را طی نمایم؟ من جواب مشابهی دادم و اضافه کردم، فارغ از این که چه راهی را انتخاب می کند، باید به بحران زندگی اش را هدایت نماید که منجر به ایجاد تغییری شود. البته این پاسخ منبسط شد در درون خودم سؤالی پیش بیاید: خودت برای بهتر شدن زندگی چه می خواهی؟

این سؤالی که در ذهنم ایجاد شد، تبدیل به نقطه تاریک زندگی من شد. در دو سال گذشته در افسردگی شدیدی به سر می بردم و رنج می کشیدم وقتی به رفتار برخی از مردم و به طور کلی به خاطر فرهنگ غیبی مان فکر می کردم. من با برخی خیانت های شخصی، رفتارهایی که در نهایت حماقت، کم عقلی و بی رحمی رخ می داد، مواجه شدم یا می دیدم همین اتفاقات به دیگران اعضای خانواده ام، دوستانم و مردمی که داستان آن ها در اخبار گفته می شود، ضربه وارد می کند.

در همین زمان، نبود ارزش های عمیق و تفکر هوشمندانه در بسیاری از بخش های جامعه نیز مرا کاملاً غمگین می کرد. وقتی من در کنفرانس های کسب و کار یا سخنرانی هایم در شرکت های سراسر دنیا، در مورد ویژگی های

هوش انسان - که می‌تواند به خلقِ نیکی، خلاقیت، بصیرت و کاهش استرس بینجامد - صحبت می‌کردم، تمام حضار فقط به دنبال این بودند که بدانند چگونه می‌توان با استفاده از این هوش پول بیشتری به جیب زد. به نظر می‌رسد این نگرش، انعکاسی از حرص و آز و ماتریالیسمی است که گریبان‌گیر فرهنگ ما شده است. اغلب اوقات، احساس می‌کنم، ما مردم پولدار غربی، آنقدر بر اساس انگیزه‌های حداقلی، مانند حرص و آز، عصبانیت و خودپسندی رفتار می‌کنیم که به کیفیت زندگی مان آسیب می‌رساند. روی هم رفته، من حس می‌کنم، ما اکثر اوقات زندگی مان را در فقدان معنویت سیر می‌کنیم. این فقدان معنویت خودش را در سطحی‌نگری، نبود تعهد و معانی عمیق نشان می‌دهد. من به عنوان یک قربانی، من سطحی‌نگری و فقدان معنا و تعهد را تجربه کرده‌ام. یک قربانی که نتوانست کاری برای بهبود این شرایط انجام دهد.

در حین صحبت با پسر مور آینه‌اش، فکری به سرم زد. آن فکر این بود، اگر من به پسر توصیه می‌کنم که زندگی‌اش برای ایجاد تغییر و بهبود در این جهان استفاده کند، چگونه به خود اجازه می‌دهم که برای ایجاد این تغییرات خود را ناتوان بدانم و آن را توجیه کنم؟ با یک ایراد فکر بود که از افسردگی خسته‌کننده‌ام خارج شدم و دوباره شروع کردم، از این بیدن. شروع کردم به بازخوانی کتاب‌هایی که زمانی الهام‌بخش من بودند. آمار دارا، یونگ در عبور من از این مرحله و گذرگاه نقش بسزایی داشتند. تحلیل‌گرانه و دانش‌آسی را فراتر از دغدغه‌های فروید برد.

اگر اشتباهاتی در این جهان رخ می‌دهد، به خاطر اشتباهات افراد است، به خاطر اشتباهات من است؛ بنابراین، اگر من عاقل باشم، باید اول خودم را درست کنم... در آخرین کاوش

فهمیدم موضوع اصلی، زندگی افراد است. افراد هستند که تاریخ را رقم می‌زنند. افراد هستند که بزرگ‌ترین تحولات را ایجاد می‌کنند و تمام آینده و تمام گذشته جهان را شکل داده‌اند و در نهایت جهان زیبا از مجموعه این افراد و منابع پنهان درون آنها می‌تواند شکل بگیرد. آنها به تنهایی تاریخ می‌آفرینند، به تنهایی بزرگ‌ترین تحولات را ایجاد می‌کنند و تمام آینده، تمام تاریخ جهان، و در آخر، بهار حاصل این منابع پنهان در افراد را سبزه می‌دهد. در زندگی شخصی و ذهنی ما یک نظارتگر و کنترل‌کننده هستیم بلکه نقش اصلی را داریم. ما عصر و دوره خودمان را می‌سازیم.

«به وسیله زندگی شخصی و ذهنی ما است که تاریخ را می‌سازیم». این‌ها واژه‌های الهام‌بخش این کتاب هستند. اینکه اگر ما خودمان را تغییر بدهیم، می‌توانیم دنیا را تغییر بدهیم. من این را از خودم شروع کردم. اول از همه سکون غمناکم و مکانیسم اجتناب و کناره‌گیری را کنار گذاشتم و مجدداً به دنیای نویسنده‌گری برگشتم.

انسان، دارای گستره وسیعی از توانمندی‌ها است؛ از بسر افترناح تا فوق العاده خوب! افراد ضعیفی که اغلب اوقات، در اطرافمان می‌باشند. این حرف‌ها را ما به خودمان اجازه می‌دهیم که به وسیله انگیزه‌های حدّالیه و حسد حرص و عصبانیت رفتار کنیم. این کار هم به خود ما و هم به دیگران آسیب می‌زند. اینکه می‌گوییم آسیب می‌زند نه به این معنی است که فرد فعالانه در پی لطمه زدن به دیگران است، بلکه به این معنی است که وی انتخاب‌های بدی می‌کند و از طریق این انتخاب بد است که دیگران آسیب می‌بینند. همانطور که

«اوگدن نش»^۱ نوشت:

چگونه کسی می‌تواند گندم را احتکار کند
اگر متوقف شود و لحظه‌ای به این فکر کند که در نتیجه کار او
تعداد زیادی از مردم غذایی برای خوردن ندارند.

مشکل این است که اکثر ما نمی‌اندیشیم. ما از انتخاب طفره می‌رویم و این
لازم به این معناست که اجازه می‌دهیم اتفاقات پدید آیند، اجازه می‌دهیم
مفاهیم به صورت گنگ و بی‌مفهوم یا قطعات سرگردان در گرداب اتفاقات، در
زندگی مان به حرکت درآیند. در چنین شرایطی، ما اجازه می‌دهیم که بسیاری از
حوادث به اتفاق بیفتد و بسیاری از تجربه‌های خوب اتفاق نیفتد. ما وقتی کسی
را در مشکل رها می‌کنیم نگاهمان را برمی‌گردانیم و خودمان را به نفهمی
می‌زنیم؛ ما دیگران را برای اشتباه می‌که خودمان انجام داده‌ایم مقصر می‌دانیم؛
ما از مواجه شدن با حقایق سخت در مورد خودمان، انگیزه‌هایمان و اقداماتمان
طفره می‌رویم و یا تمامی مردم را از دایره نگرانی‌هایمان حذف می‌کنیم.

این سرباز زدن از انتخاب کردن، انکار حتمی انتخابی است که اصلی‌ترین
صفت انسانی ماست. انسانیت ما به وسیله توانایی برای انتخاب بین صحیح و
غلط تعریف می‌شود. انتخاب نکردن هیچ چیز، انکار این حقیقت است.

انگیزه نوشتن کتاب، هشدار بود که دست‌ها و بازوهای ما را می‌دادند. این
کتاب برای تمام افرادی است که در جامعه ما برای ایجاد تغییر در زندگی تلاش
می‌کنند. این کتاب در زمانی نوشته شد که دنیا در شرایط سختی به سر می‌برد.
ادامه دادن در این مقطع زمانی سخت بود اما خانواده و دوستانم مرا متقاعد
کردند که اکنون وقت باورهای خام یا آرمان‌گرایانه در مورد بهتر کردن جهان

1. Ogden Nash

نیست. این کاری است که ما باید انجام دهیم. این ما هستیم که باید آن را بسازیم.

این کتاب بر اساس دانشی است که از چهار منبع زیر حاصل شده است:

- ❑ تجارب شخصی خودم؛
- ❑ ایده‌های نشأت گرفته از علوم جدید، به طور خاص فیزیک کوانتوم،
- ❑ علم آشوب^۱ و پیچیدگی^۲؛
- ❑ تجارب ده ساله‌ای که در عرصه تدریس و مشاوره مدیریت داشتم؛
- ❑ نگاشته‌های من به جهان.

1. chaos

2. complexity